

ترانه‌های

آدم و حوا

دفتر دوم

مهدی فطیعی
شهره یوسفی



کتاب و انتشارات آفرینش

انتشارات آفرینش

۱۳۸۴

خطیبی، مهدی، ۱۳۵۵ -
ترانه‌های آدم و حوا/مهدی خطیبی، شهره یوسفی. —
[ویراست ۲:] -- تهران: آفرینش، ۱۳۸۴-۱۳۸۵.

ج ۲.

ISBN: 964-6267-89-1 (۲. ج) ۱۲۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس جلد دوم: ۱۳۸۴.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها، الف. یوسفی،
شهره، ۱۳۵۵. ب. عنوان.

ت ۴ع ۶خ/ ۱۹۰ PIR ۸۱۶۲۰۸

۱۳۸۴

۴۳۲۲۷-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



شماره پروانه ۵۰۵

دفتر نشر آفرینش

انتشارات آفرینش

ترانه‌های آدم و حوا - دفتر دوم

سروده: مهدی خطیبی - شهره یوسفی
انتشارات آفرینش

طرح جلد: ا. اللهیاری - حروفچینی: مؤسسه‌ی بروجردی
لیتوگرافی: آفرینش - چاپ: جباری - قطع رقعی - ۱۲۰ صفحه
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه - چاپ نخست - بهار ۱۳۸۴ - صحافی: چکامه

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۶۲۸۷-۸۹-۱

ISBN: 964-6287-89-1

آدرس پست الکترونیکی: afarinesh@nasheran.com

قیمت ۱۲۰۰ تومان

تهران: میدان امام حسین، خیابان ۱۷ شهرپور شمالی، پایین‌تر از چهارراه صفا، نرسیده به سه‌راه پارک خیام، پلاک ۳۰۳

تلفن: ۷۵۳۸۵۳۱-۲

فهرست اشعار

۷	سخن ناشر
۹	اشاره‌ای در آغاز
۱۱	ترانه‌های آدم
۱۲	زندگی نوشت شاعر
۱۵	غزل‌ها:
۱۶	پیش درآمد... آری! تو خود همیشه سر آغاز گندمی
۱۷	۲- مرا میان دو دست نسیم بگذارید
۱۸	۳- سپید بودم و دستان شب، سیاهم کرد
۱۹	۴- میان ساحت دریا و آفتاب رهایم
۲۰	۵- تبعیدی خاکم، زمین زندان من شد
۲۱	۶- به روی دست نسیم است روح عریانم
۲۲	۷- من از غبار می‌آیم، غروب بر دوشم
۲۳	۸- آینه و خورشید را بردار، می‌ترسیم
۲۴	۹- می‌یابمت دوباره، در کوچه‌های خاموش
۲۵	۱۰- امانتی که پذیرفت، این خطای زمین بود
۲۶	۱۱- «از تربت فروغ می‌آیم» شکسته، های
۲۷	۱۲- قد می‌کشد اندوه از هر سوی خانه



- ۱۳- دگر برای تو ای آشنا! چه‌ها بنویسم ۲۸
- ۱۴- کدام اوج، بگو تا کدام قلّه رسیدم؟ ۳۰
- ۱۵- در من هنوز بلبلده آواز می‌کند ۳۱
- ۱۶- می‌آید از افق تیره‌ی امید ۳۲
- ۱۷- این روزها که زخم، دهان باز می‌کند ۳۳
- ۱۸- غریبه! دیرزمانی هست، شکسته‌ای و نمی‌دانی ۳۴
- ۱۹- از آب و نان و حادثه‌ی عمری ست دم زدیم ۳۵
- ۲۰- عشق آمده به هیأت باران ۳۶
- ۲۱- غرور گم‌شده‌مان پشت ابرها پیداست ۳۷
- ۲۲- غریبانی‌ات را دوست دارم، فصل بی‌رنگ ۳۸
- ۲۳- بنویس با اشک‌هایت، یک سطر از روزگارت (بی‌قراری ۱؛ برای حوا ۱) ۳۹
- ۲۴- تو نیستی که ببینی چقدر دل‌تنگم (بی‌قراری ۲؛ برای حوا ۲) ۴۰
- ۲۵- بانو! سیاه سیاه‌ست؛ هر لحظه از روزگارم (بی‌قراری ۳؛ برای حوا ۳) ۴۱
- ۲۶- بین میان لبانت کبوتری پیداست ۴۲
- ۲۷- آرام چون شب‌های مهتابی ست چشمانت ۴۳
- ۲۸- اشکی شدم به گوشه‌ی چشمی که بی‌ریاست ۴۴
- ۲۹- شبی که چهره‌ی خود را در آینه دیدم ۴۵
- ۳۰- در هفت اقلیم عالم، یک آشیان هم ندارم ۴۶
- ۴۷
- ۴۸
- ۴۹
- ۵۱
- ۵۲
- ۵۳
- ۵۵
- ۵۶
- ۵۷
- ۵۸
- ۵۹
- ۶۰
- ۶۱
- ۶۲
- ۶۳
- ۶۴
- ۶۵
- ۶۶
- ۶۷
- ۶۸
- ۶۹
- ۷۰
- ۷۱
- ۷۲
- ۷۳
- ۷۴
- ۷۵
- ۷۶
- ۷۷
- ۷۸
- ۷۹
- ۸۰
- ۸۱
- ۸۲
- ۸۳
- ۸۴
- ۸۵
- ۸۶
- ۸۷
- ۸۸
- ۸۹
- ۹۰
- ۹۱
- ۹۲
- ۹۳
- ۹۴
- ۹۵
- ۹۶
- ۹۷
- ۹۸
- ۹۹
- ۱۰۰



سه واگویه در غربت ۵۷

۱- زخم تبر و دشنه به روی پشش ۵۹

۲- در کنج لب شکوفه می زد خورشید ۵۹

۳- عشق از همه سواز آسمان می بارد ۵۹

ترانه های حوا ۶۱

زندگی نوشت شاعر ۶۲

غزل ها ۶۵

۱- غریانی حوا و چشمان دریده ۶۶

۲- با غصه می نویسم، با دست های خسته ۶۷

۳- تاذهن آدم فارغ از نان شد ۶۸

۴- شیطان شعرهای شبانه، ظهور کن ۶۹

۵- سالار شب های خالی ۷۰

۶- ردیف شعر جدیدم، دو چشم دریایی ست ۷۲

۷- قامت پاییزی ات را، راست کن مرد بهار ۷۳

۸- ما هر دو کبوتران بی بامیم ۷۴

۹- با یک غزل، بوسه، شبی مهمان من شو ۷۵

۱۰- شب سردی ست بیا با هم از این جا برویم ۷۶

۱۱- دست مرا بگیر و دعا کن بایستم ۷۷

۱۲- تمام زندگی ام مثل خواب می ماند ۷۸

۱۳- غزل ها خسته اند از من نمی دانم ۷۹

۱۴- مهمان گونه هایم، باران بوسه هایت ۸۰

۱۵- خدای ساده ی عاشق، خدای هر جای ۸۱

۱۶- روزی که آدم گرفتار یک لقمه نان شد ۸۲

۱۷- سیاه شهر غزل های تو ست چشمانم ۸۳

۱۸- چقدر پای دلم را پیاده برگردم؟! ۸۴

۱۹- شبی از التهاب سوزان تر ۸۵



۸۶ ۲۵- دل داده‌ام بر هر چه بادا باد

۸۷ قطعه‌ها

۸۸ ۱- آ- اول آب و آتش

۸۹ ۲- اگر چه گفتن این اتفاق راحت نیست

۹۰ ۳- شهر، لبریز عشق سودابه

۹۱ ۴- می‌خندی و بر پیکرت آهسته می‌پیچد

۹۳ چهارپاره‌ها

۹۴ ۱- در بستی که بوی علف دارد

۹۶ ۲- وقتی جهان به خلقت تو آفریده شد

۹۷ ۳- «لیلی» همیشه مضحک‌های شعرهای ماست

۹۸ ۴- شیطان بی گناه من ای پاک، ای عذیف

۱۰۰ ۵- تلخی شبیه آخر قصه که هیچ وقت

۱۰۱ ۶- گویی میان عرش فقط اشک و آه بود

۱۰۳ ۷- سفر به خیر و سلامت، خوش آمدی مادر

۱۰۵ مثنوی‌ها

۱۰۶ ۱- تبر به دست می‌آیی شبیه ابراهیم

۱۰۷ ۲- پیغمبر غریب غزل‌های ساده‌ام

۱۰۸ ۳- حالا دوباره قصه از اول، یکی نبود

۱۰۹ ۴- از هر چه نان و بوی گندم سیر بودم

۱۱۱ شعر آزاد

۱۱۲ ۱- یکی بود و یکی نبود

۱۱۷ چهارلختی‌ها

به نام خدا

سخن ناشر

شعر امروز با تمام فراز و نشیب‌هایش دیگر در جامعه نامی آشناست. اگرچه امروزه مهم‌ترین مسأله، نبودن مخاطب است و صد البته این ضعف نیز ریشه در خود شاعر دارد. هرچند که شعرای امروز زمزمه می‌کنند که عامه با تحولات هسگام نبوده‌اند و در سکون مرداب‌گون خود غوطه‌ورند اما حقیقت در این است که «شعر اصیل پیش از آن‌که فهمیده شود، ارتباط برقرار می‌کند» (تی - اس الیوت)

اصل لذت‌بخشی مخاطب، اولین اصل در ارتباط او با اثر است. البته از حق نباید گذشت که همواره درجه‌ی ذوق عامه، با یک فرد روشنفکر و تحصیل‌کرده متفاوت بوده است. اساساً این امر جزو بدیهیات است اما یک شعر خوب برآمده از دل، با گره‌خوردگی میان تمامی عناصر و ساختی ویژه همیشه مخاطب خود را می‌یابد. شعر حافظ نمونه‌ای از آن است.

نکته‌ی دیگر ذوق ایرانی است. ایرانی از لحاظ سابقه‌ی ذهنی - تاریخی با شعر می‌زیسته و حتاً بسیاری از افراد آن داعیه‌ی شاعری نیز دارند اگرچه ذهن کلیشه‌ای شده و پای‌بندی به سنت‌ها (که اساساً این مشخصه‌ی فرهنگی ایرانی‌ها و در کل شرقی‌هاست) بیشتر آن‌ها را در دایره‌ی سنت‌های شعری قرن‌های گذشته قرار داده است. اما به عقیده‌ی بنده، شعری که گره‌خوردگی میان تمام عناصر را دارد همواره مخاطب خود را می‌یابد و این سخن که شعر من برای آیندگان است سخنی مهمل، بوج و بی‌اساس است، زیرا به قول مرحوم عبدالحسین زرین‌کوب: «آن‌ها از این

موضوع غافل‌اند که آیندگان نیز برای خود شاعرانی دارند»

در این میان قالب و شکل ظاهری شعر چندان تأثیری در جذب مخاطب ندارد اگرچه قالب‌های کلاسیک به علت سابقه‌ی ذهنی - تاریخی ایرانیان جذابیت ویژه‌ای دارند اما در حافظه‌ی بسیاری می‌توان اشعاری را جست که از شاعرانی ست که کمتر به قالب‌های کلاسیک توجهی داشته‌اند یا دارند. این سخن مبنی بر نفی قالبی یا ارجح بودن یکی از قالب‌ها بر دیگری نیست. موضوع بر سر این است که هماهنگی قالب و محتوا همواره باید حفظ شود تا اثری نمود خود را در جامعه به دست آورد. اگرچه ذوق اینجانب مانند اکثر ایرانیان معطوف به قالب‌های کلاسیک و نوکلاسیک است اما هیچ‌گاه به نفی قالب‌هایی چون نیمایی و سپید نمی‌پردازد. باری این‌ها تمام مقدمه‌ای برای ورود به سخن اصلی بود. زوج ارجمند و گرامی جناب آقای مهدی خطیبی و سرکار خانم شهره یوسفی برگزیده‌ی اشعار خود را در مجموعه‌ای به نام «ترانه‌های آدم و حوّا» گردآوری کردند و به دست من سپردند. مجموعه‌ی شعر اوّل آن‌ها را به همین نام که توسط ناشری دیگر به بازار عرضه شده بود دیده بودم و به ذوق و احساس و دریافت‌شان آفرین گفتم.

پرداخت خوب مضمون، زبان نو، بارز بودن جنسیت (بالاخص در اشعار سرکار خانم شهره یوسفی) بیان تازه و رویکرد جالب به اسطوره‌های ایرانی و مسأله‌ی خلقت یا بازآفرینی‌های جالب و گاهی دخیل و تصرف‌های شاعرانه از ویژگی‌های بسیاری ست که مرا ترغیب به چاپ این کتاب کرد. به عقیده اینجانب این زوج در آینده‌ی نزدیک، یکی از مفاخر ادب ایران زمین خواهند شد. حال این قضاوت را پس از خواندن کتاب بر عهده‌ی شما می‌گذارم.

من به نوبه‌ی خود، به نسل جوان ایمان دارم و امیدوارم که این راه را به ذوق و هوش و درایت کامل ادامه دهند و به سر منزل مقصود رهنمون شوند.

به این امید

محمد فتاحی

مسئول انتشارات آفرینش

دی‌ماه ۱۳۸۳